

بسم الله الرحمن الرحيم

درس خارج

اصول فقه

جلسه سی و هفتم

۹۲/۱۱/۱۲

۲- مبحث امر بعد از امر

آخرین بحث، بحث امر بعد از امر است. این بحث را هم در بحث مربوط به دلالت هیئت امر به لحاظ واجب (نه وجوب) آوردیم. این هم تنوع ناشی از متعلق امر است. با این بحث قواعد هیئات مفردات را به پایان می‌بریم.

تاکیدی یا تاسیسی:

اگر امر به فعلی تعلق گرفت: مثل صل، و قبل از زمان امتثال، دوباره همان امر را تکرار کرد، آیا این امر دومی که بعد از امر اول آمده، افاده تاسیس می‌کند یا تاکید؟ یعنی آیا امر دوم به عنوان تاکید امر اول تکرار شده که افاده تاکید بکند و یا امر دوم به عنوان تاکید امر اول تکرار نشده، بلکه خودش امر جدیدی است که افاده تاسیس بکند؟

بیان صاحب کفایه:

مرحوم صاحب کفایه در این مورد بیانی دارند که به خلاصه بیان ایشان اشاره می‌شود.

«قضية إطلاق المادة هو التأكيد ... و المنساق من إطلاق الهيئة وإن كان هو تأسيس الطلب لا تأكيد إلا أن الظاهر هو انسباق التأكيد عنها فيما كانت مسبقة بمثلها و لم يذكر هناك سبب أو ذكر سبب واحد.»^۱

حاصل کلام آخوند این است. مقتضای اطلاق ماده تاکید است، ولی مفاد اطلاق هیئت تاسیس است؛

اما ماده؛ طبیعت الصلاة اگر مطلق بود و مقید به قیدی نبود در ضمن یک فردی موجود می‌شود. وقتی طبیعت بر قیدی مقید نبود بر صرف الوجود صدق می‌کند و صرف الوجود با فرد اول حاصل است و بر فرد دیگر دلالت نمی‌کند. پس مقتضای اطلاق ماده تاکید است؛ یعنی فرد دیگر نباشد. اگر فرد دیگر شد، از طبیعت بودن و صرف الوجود بودن خارج می‌شود؛ چون ذات طبیعت بر صرف وجود دلالت می‌کند و اگر بخواهد علاوه بر صرف

۱- کفایة الأصول (طبع آل البيت)، ص: ۱۴۵

الوجود، بر فرد ثانی دلالت داشته باشد، فرد ثانی بودن طبیعت را از صرف الوجود بودن خارج می‌کند. پس قرینه لازم است.

اما هیئت؛ هیئت ارسال به سوی وجود طبیعت است. ارسال اول یک ارسال است و ارسال دوم ارسال دیگری است. و هر ارسالی به طور مستقل اقتضای مرسل^۱ الهی دارد؛ یعنی هر ارسالی، ارسال به فرد جدیدی است. پس هیئت، اقتضای تعدد و تاسیسی بودن امر ثانی را دارد.

با وجود این هیئت اقتضای تاکید ندارد چون هر جا امر ثانی باشد قرینه‌ای وجود دارد که مراد، ارسال به فرد ثانی نیست بلکه تاکید بر امر اول - فرد اول - است. قرینه مثلثیت امر دوم مثل امر اول است. با فرض اینکه امر دوم سبب جدید ندارد. بلکه اگر امر دوم سبب جدیدی داشت. مثل نماز آیات وقتی زلزله شد، صل وقتی ماه گرفت، صل که تعدد است ولی در اینجا تعدد سبب نیست. و لذا قرینه بر تاکید بودن امر ثانی است و مقتضای اطلاق را از بین می‌برد و غالب بر آن می‌شود. پس اگر سبب جدید بر امر ثانی نباشد و مثلثیت امر ثانی با امر اول، هر دو قرینه می‌شود بر اینکه اطلاق هیئت امر ثانی - دلالت بر تاسیس می‌کرد - از بین برود و لذا حمل بر تاکید شود.

تحقیق:

سه مطلب در اینجا ذکر می‌شود تا تحقیق مطلب روشن شود.

مطلب اول:

چنانکه صاحب کفایه فرمودند؛ اقتضای اطلاق ماده تاکید است؛ چون تاسیس متوقف بر تقیید ماده است به مره^۲ اخری. چنانکه ماده مقید به مره اخری نبود، یا مقید به قرینه نبود، دلالت بر صرف الوجود می‌کند که قابل تکرار نیست. چند بار صرف الوجود نداریم و بار اولی که صرف الوجود حاصل شد، دیگر حاصل شده است. مثال؛ اگر گفته شود در این اتاق انسانی است، با آمدن یک انسان طبیعت انسان حاصل شده و با آمدن مکرر افراد انسان، وجود صرف الطبیعه تکرار نمی‌شود. بلکه صرف طبیعت با همان فرد اول حاصل شده است. اگر امر دال بر

ایجاد ماده علی نحو صرف الطبیعه است، یعنی با همان فرد اول، صرف الطبیعه حاصل شده است. دیگر امر دوم نمی تواند اقتضای ایجاد فرد ثانی کند. همان فرد اول را تاکید می کند.

مطلب دوم:

بحث در جایی است که امر ثانی مقرون به سبب دیگری، غیر از سبب امر اول نباشد؛ یعنی امر اول سببی دارد، امر ثانی که آمد، ذکر سبب جدید همراهش نباشد. اگر امر دوم با سبب جدیدی آمد در این صورت، سبب جدید دال بر تاسیسی بودن امر ثانی است. مثل اذا زالت الشمس فَصَلَ، و مثل اذا طلع الفجر فصل که در هر دو مورد امر به صلّ شده است ولی سبب در اولی ازاله شمس و سبب در دومی طلوع فجر است.

مطلب سوم:

مدعای صاحب کفایه این بود که مقتضای اطلاق هیئت امر، تاسیس است ولی چون قرینه ای داریم که مانع از دلالت اطلاقی می شود، هیئت امر را در تاکید متعین می کند. و آن قرینه مثلثیت امر ثانی با امر اول است.

این فرمایش ایشان که مثلثیت - امر ثانی به امر اول - قرینه است، این مثلثیت قرینیت بر تاکید دارد؛ لذا ظهور هیئت امر در تاسیس را تبدیل به تاکید می کند. در این فرمایش مرحوم کفایه تاملی وجود دارد.

این فرمایش دو مقطع دارد:

۱- اطلاق هیئت امر مقتضای تاسیس دارد.

۲- مثلثیت - امر دوم به امر اول - قرینه بر تاکید است.

در هر دو مطلب مناقشه وجود دارد: مناقشه در مقطع اول؛ اینکه هیئت امر دال بر تاسیس است، هیئت امر - فی حد نفسه - بیش از ارسال به سوی طبیعت یا نسبت طلبیه از آن فهمیده نمی شود. در این نسبت طلبیه نه تاکید و نه تاسیس نخفته است. هر دو زاید بر طبیعت است.

همچنان که تاکید زاید است، تاسیس هم زاید است. و لذا برای دلالت هیئت امر بر تاسیس یا تاکید، قرینه لازم است. تاکید موجب تغلیظ در عقاب و ثواب است.

مناقشه در مقطع دوم؛

اینکه مثلثیت - امر ثانی به امر اول - قرینه بر تاکید است. در تاسیسی هم، چنین است. آیا در تاسیسی بودن امر ثانی، امر ثانی مثل امر اول است یا نیست؟ تماثل با هر دو - هم با تاسیس و هم با تاکید - سازگار است.

نه تاکیدیت و نه تاسیسیت هیچ کدام در امر نیست؛ اما اینجا قرینه عقلائیه وجود دارد - غیر از مقدمات حکمت - که عقلا برای افاده تاکید، از شیوه تکرار استفاده می کنند. اینکه تکرار، قرینه عقلائیه بر تاکید است، این غیر از مثلثیت است. بین مثلثیت و تکرار فرق است، و لذا تکرار امر - در امر بعد الامر - قرینه بر دلالت هیئت امر بر تاکید است، مگر قرینه ای بر تاسیس باشد.

خلاصه:

اصل در امر بعد الامر بر تاکیدی بودن است. اما دلیل صاحب کفایه بر تاکیدیت، قرینه مثلثیت - امر ثانی به امر اول - بود. اما سخن حق این است که دلیل بر تاکیدی بودن امر بعد الامر، قرینه تکرار امر است نه مثلثیت امر.

والسلام